

ارائه الگوی کیفیت بخشی جهت تبدیل هنرستانهای فنی حرفه‌ای به مراکز کارآفرینی

سیده خدیجه هاشمی^۱

عصمت مسعودی ندوشن^۲

زینب گلزاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

چکیده:

هدف از این پژوهش، ارائه الگوی کیفیت بخشی جهت تبدیل هنرستانهای فنی حرفه‌ای به مراکز کارآفرینی بود. پژوهش از نظر هدف، کاربردی توسعه‌ای است که با رویکرد آمیخته (کیفی و کمی) با طرح اکتشافی انجام شد. در بخش کیفی تحقیق، از روش تحلیل نظریه داده بنیاد استفاده گردید. مشارکت کنندگان شامل اساتید دانشگاه، معلمان و هنرآموزان، مدیران مدارس، کارکنان اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران بودند که با استفاده از نمونه گیری هدفمند و به کارگیری معیاراشباع نظری، مصاحبه‌هایی نیمه ساختار یافته با ۱۴ نفر انجام شد و در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران، هنرآموزان و دبیران هنرستانهای شهر ساری در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بودند. حجم نمونه براساس جدول مورگان، ۲۹۶ نفر تعیین و داده‌ها به روش تصادفی طبقه‌ای جمع آوری شد. بعد از تعیین روایی صوری، روایی محتوایی به تایید متخصصان رسید. پایایی با الفای کرونباخ بالای ۰/۷ تایید گردید. تحلیل آماری و برآزش الگوی مفهومی داده‌ها به کمک نرم افزارهای SPSS و AMOS انجام گردید که حاصل این فرایند شناسایی ۱۰ مقوله اصلی به همراه ۱۰۱ کد بود که بر اساس پارادایم اشتراوس و کوربین، الگوی مفهومی تحقیق را شکل دادند. بر اساس نتایج، الگوی پیشنهادی از برآزش مطلوبی برخوردار است. از این رو، کیفیت بخشی هنرستانهای فنی حرفه‌ای با هماهنگی و توجه همه جانبه ابعاد مختلف، اعم از شرایط علی، زمینه ای، مداخله گر میسر خواهد شد.

کلید واژه‌ها: کارآفرینی؛ الگوی کیفیت بخشی؛ هنرستانها

^۱ - روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

^۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

^۳ - هیات علمی، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

با تحولات عظیمی که در تکنولوژی‌های اخیر رخ داده است، جامعه عصر صنعتی بتدریج جای خود را به جامعه ای داده که بر پایه دانش و اطلاعات استوار شده است و در این سیر تغییرات سریع و شتابان افراد و کشورهای موفق خواهند بود که در صحنه درک تقاضا و خواسته‌های جدید، بتوانند کسب و کارهای مناسب را به منصفه ظهور رسانده و رفاه ایجاد نمایند (شاه حسینی، ۱۳۹۰). بر این اساس ضرورت دارد کلیه نظام‌های آموزشی از آموزش‌های پایه، متوسطه، عالی و فنی حرفه‌ای گرفته تا آموزش عمومی، برنامه‌ریزی لازم را جهت بازنگری نظام آموزشی و تضمین کیفیت نتایج یادگیری و همچنین توسعه مهارت‌های مختلف یادگیری مادام العمر انجام دهند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای اجتماعی و اقتصادی آینده باشند (ابراهیمی، ۱۳۹۵). از آنجا بی که کارآفرینی به عنوان ابزاری مناسب برای تحرک و رشد اقتصادی شناخته شده است شناسایی عوامل تعیین کننده فعالیت کارآفرینی امکان می‌دهد تا سیاست‌های مناسب برای افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی در یک اقتصاد طراحی شود (زیوری، محمدی خیاره، مظهری، ۱۳۹۹). در حال حاضر بر اکثر دولتمردان و سیاست‌گذاران آشکار شده است که مهم ترین هدف از آموزش‌های کارآفرینی در مدارس، ابتدا باید توانمندسازی دانش‌آموزان در جهت تغییر نگرش، فرهنگ و گسترش دامنه انتخاب به منظور ایجاد فرصت‌های شغلی جدید باشد و اینکه آنان می‌توانند از طریق نظام آموزشی بر فراگیران تاثیر گذاشته و از این راه بر میزان علاقه‌مندان به کارآفرینی بیافزایند. اگر نظام‌های آموزشی به گونه ای عمل کنند که فراگیران بتوانند علاوه بر کسب دانش، چگونگی استفاده از آن را در محیط و دنیای کسب و کار نیز یاد بگیرند، تعداد کارآفرینان و به دنبال آن، بازار کار جدید نیز زیاد خواهد شد. (پسندیده فرد و کیانی ماوی، ۱۳۹۷).

رسالت هنرستان‌های فنی و حرفه ای، تربیت هنرجویانی است که پس از فراغت از تحصیل یا اتمام دوره آموزش بتوانند با کسب شایستگی‌ها به آسانی در محیط کار از مهارت خود استفاده کرده و از عهده کارهای محوله برآیند و خود را با تغییرات فناوری هماهنگ سازند؛ این امر مستلزم آن است که برنامه‌های آموزشی هنرستان‌ها متناسب با نیازهای جامعه، شایستگی‌های مورد نیاز و بازار کار طراحی شود. از طرف دیگر، دنیای کار و موسسات آموزشی بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند، به این ترتیب که موسسات صنعتی و خدماتی، فرصت‌های شغلی برای فارغ التحصیلان موسسات آموزشی فراهم می‌آورند و موسسات آموزشی نیز نیروی انسانی ماهر مورد

نیاز آنها را تربیت می‌کنند. بنابر این، برنامه‌های آموزشی هنرستان‌ها نقش مهمی در اشتغال هنرجویان دارند (عباس زاده، شاهی، مهرعلیزاده، ۱۳۹۷). از آنجاییکه مدارس فنی حرفه‌ای مدارسی هستند که دانش آموزانی دارای مهارت در زمینه رشته تحصیلی خود پرورش می‌دهند و هنرجویان امیدوارند بتوانند مستقیماً وارد دنیای کار شوند. براین اساس تمرکز توسعه در کارآفرینی نهفته است (کاسکا و ایندراواتی^۱، ۲۰۱۸).

ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای هنرآموزان فنی و حرفه‌ای، از جمله تدابیر مؤثر برای تضمین کیفیت در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و متعاقب آن، بهبود مستمر کیفیت آن است (خورشیدی و فرخی، ۱۳۹۱). با وجود برداشت متفاوتی که از کیفیت وجود دارد، درنگرش کلی می‌توان گفت که کیفیت اثربخشی یا به عبارت روشن‌تر تحقق و تجلی اهدافی است که برای نظام آموزشی پیش بینی شده است. خلاقیت و کارآفرینی در آموزش و پرورش محصول مستقیم کیفیت برنامه‌ها، روش‌ها، فعالیتها و فرایندهای یاددهی - یادگیری است. توجه و تاکید بر کیفیت برای بروز و پرورش خلاقیتها و کارآفرینی حیاتی است. آموزش بدون کیفیت آموزشی، سطحی و غیراثربخش است که اهداف عمیق اصلی آموزشی، از جمله پرورش خلاقیت کارآفرینی را محقق نخواهد کرد (جلالی و امینی، ۱۳۹۶). دوره‌های آموزش کارآفرینی باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که فارغ التحصیلان این دوره‌ها بتوانند با بهره مندی از حس استقلال طلبی و اعتماد به نفس کافی وارد بازار کار شده و با شناخت کامل از محیط و قوانین کسب و کار، فرصت‌های بازار را شناسایی کرده و با بهره گیری از خلاقیت و ریسک پذیری، دانش مدیریتی خود را برای تشکیل یک تیم کاری مورد استفاده قرار داده و کسب و کار مناسبی را راه اندازی نمایند. هدف از این پژوهش، ارائه الگوی مفهومی کیفیت بخشی جهت تبدیل هنرستانهای فنی حرفه‌ای به مراکز کارآفرینی می‌باشد. انتخاب رویکرد کیفی در این پژوهش به دلیل خلا این نوع تحقیقات در حوزه کارآفرینی مدارس بود. با توجه به اهمیت مقوله کارآفرینی در هنرستانها و ضرورت کیفیت بخشی در آنها این تحقیق تلاش می نماید بررسی‌هایی در راستای شناسایی زمینه‌ها و بسترهای تشکیل دهنده هنرستانهای فنی کارآفرین به عمل آورد. مهتاب پورآتشی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان بررسی اقدامات حمایت کننده در دانشگاههای منتخب جهان و تحلیل گزینه‌های حمایتی در دانشگاه‌های ایران به این نتیجه دست یافتند که اقدامات حمایتی دانشگاهها در زمینه کارآفرینی، معیار تحقق اهداف بالادستی با وزن نسبی ۰/۳۴۱

دارای برتری بیشتر نسبت به دیگر معیارهاست. همچنین حمایت مادی بهترین گزینه حمایتی از کارآفرینی باوزن ۰/۲۸۴ شناخته شد. سایر گزینه‌های حمایتی به ترتیب اولویت عبارت بودند از: علمی-آموزشی، حمایت معنوی و فرهنگی-تشویقی. طغرای، میرواحدی، هاشمی، محمدی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس به این نتایج دست یافتند که آموزش مبتنی بر خلق ارزش مقوله محوری آموزش کارآفرینانه است که متأثر از عوامل سبب ساز نگرش کارآفرینانه معلم، مسئولان و تصمیم گیران در حوزه آموزش، مدرسه و والدین است. در نهایت خلق ارزش جدید، تربیت دانش آموز خلاق، نوآور و چند بعدی و دانش آموز توانمند با مهارت پیامدها و برون داد اصلی آموزش کارآفرینی در مدارس است. ادومجنت و زبروگ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان قصد کارآفرینی در میان فارغ التحصیلان احتمالی موسسه آموزش عالی در یک تحقیق اکتشافی در مناطق اتیوپی به این نتایج دست یافتند که سطح تحصیلات عالی، تجربه قبلی، خوداشتغالی و شناس گذراندن دوره‌های کارآفرینی فوق برنامه، سه متغیر دموگرافیک می‌باشد که تفاوت در قصد کارآفرینی را در بین جمعیت مورد مطالعه توضیح می‌دهد. آهوچا، اختر و ولی^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان توسعه یک مدل جامع از شکل‌گیری هدف اجتماعی کارآفرینی، با استفاده از یک ابزار کیفی تلاش کردند تا عوامل موثر بر نیت‌های کارآفرینی اجتماعی را به اثبات برساند و با کمک اصل پارتو، یک مدل ایجاد کند. کاسکا و ایندراواتی (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان تحلیل عوامل موثر بر منافع دانش‌آموزان هنرستانهای حرفه‌ای در پیکانبارو اندونزی به این نتیجه دست یافتند که آموزش کارآفرینی و محیط خانوادگی تاثیر مثبت و معنادار در علایق کارآفرینی از طریق شخصیت افراد دارد. از آن جا که هنرستان‌ها کانون اصلی آموزش‌های مهارت محور هستند، ناکارآمدی جدی روش‌های آموزشی جهت تربیت دانش‌آموزان خلاق و مسئله‌گرا و نیاز جامعه به دانش‌آموزان کارآفرین و نیز ضروریات اجتناب ناپذیر بازار کار و اقتصاد ملی وجهانی و در پی آن نیاز مشاغل آینده به افراد دارای مهارت بیش تر و کارآمدی بالاتر بسیار قابل لمس است. از این رو تبدیل هنرستان‌ها به مراکز کارآفرینی برای هنر جوینان موجب شناسایی علاقه مندی‌ها و گرایش‌های آنان در زمینه‌های مختلف می‌گردد و هنرجویان می‌توانند نقاط قوت وضعف خود را تعیین کنند، در این صورت حلقه‌های مفقود در نظام آموزشی تکمیل خواهد شد؛ لذا با توجه به اهمیت کارآفرینی و ضرورت وجود کارآفرینی آموزشی برای ارتقاء شغلی فارغ التحصیلان هنرستانی ضروری است تا در

۱ - Edomgenet & Zerebruk

۲ - Ahuja, Akhtar & Wali

پژوهشی علاوه بر درک لزوم کارآفرینی آموزشی در هنرستان‌ها، به بررسی و شناسایی مولفه‌های کیفیت بخشی جهت تبدیل هنرستان‌ها به مراکز کارآفرینی پرداخته شود. با توجه به مبانی نظری، تاکنون جامع و کامل به ابعاد، مهارت‌ها و فعالیت‌های مورد نیاز جهت تبدیل هنرستانهای فنی حرفه‌ای به مراکز کارآفرین پرداخته نشده است، مطالعات انجام شده ماهیتاً قیاسی بوده و در بیشتر موارد، صرفاً به شناسایی ابعادی از این پدیده با تبیین برخی از عوامل مؤثر بر فرآیند کارآفرینی مدارس و در مواردی به نگرش سنجی پرداخته اند. با علم به این شکاف مطالعاتی، در این پژوهش، کاوش فرآیند چگونگی کیفیت بخشی هنرستانهای فنی حرفه‌ای در جهت تبدیل به مراکز کارآفرینی و توجه به ابعاد مختلف آن مورد مطالعه قرار گرفت. لذا سوال اصلی پژوهش حاضر این است که: الگوی کیفیت بخشی جهت تبدیل هنرستانهای فنی حرفه‌ای به مراکز کارآفرینی کدامند؟

روش تحقیق

روش پژوهش بر حسب هدف، کاربردی توسعه‌ای و برحسب گردآوری داده‌ها از رویکرد پژوهش آمیخته (اکتشافی متوالی از نوع طبقه بندی) استفاده شد؛ در بخش کیفی راهبرد مورد استفاده نظریه داده بنیاد است و برای ارائه الگوی نهایی، از ساختار پارادایمی اشتراوس و کوربین استفاده شده است که با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام گرفت، در مرحله بعد یعنی کمی با توجه به هدف و ماهیت موضوع تحقیق، مناسب ترین روش در این مرحله روش توصیفی -پیمایشی بود. روش جمع آوری اطلاعات در بخش کیفی از طریق مصاحبه و همچنین در بخش کمی از پرسشنامه استفاده گردید سپس اعتبار الگو به دست آمده از مرحله کیفی مورد آزمون قرار گرفت. در بخش کیفی مشارکت کنندگان با استفاده از نمونه گیری هدفمند و اشباع نظری انتخاب شدند در مجموع با ۱۴ نفر مصاحبه‌هایی عمیق صورت گرفت که شامل اساتید دانشگاه صاحب نظر در حوزه کارآفرینی، معلمان با سابقه تدریس درس کارآفرینی، مسئولین و روسای فنی حرفه‌ای اداره کل استان مازندران، مدیران با سابقه مدارس فنی حرفه‌ای و کارودانش شهر ساری می‌باشند. در بخش کمی جامعه آماری مدیران، دبیران و هنرآموزان هنرستانها و مدارس کار و دانش شهر ساری در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می‌باشند که از پرسشنامه الکترونیکی محقق ساخته استفاده شد. تعداد ۲۹۶ نفر از طریق نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای بر حسب جدول کرجسی مورگان به عنوان نمونه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر در بخش کیفی از دو روش بازبینی توسط مشارکت کنندگان و مرور توسط خبرگان غیر شرکت کننده در پژوهش استفاده و پس از دریافت نظرات اصلاحی، ویرایش لازم انجام و الگوی نهایی ارائه شد. در زیر جدول طبقات و زیر طبقات آورده شده است.

جدول ۱- طبقات، زیر طبقات

طبقات	زیر طبقات
آموزش هنرآموزان	از طریق مراجعه حضوری، از طریق فضای مجازی، پرورش نیروی ماهر، توسعه نیروی انسانی، به روز کردن علم و اطلاعات، مهارت معلم در تدریس و به چالش کشیدن دانش‌آموزان
ترویج کارآفرینی	تصویرسازی دیوارهای مدرسه، تشویق دانش‌آموزان به خلق ایده، دیدن فیلم‌های آموزشی، تمرین کسب و کاراز کودکی، آشنایی دانش‌آموزان با افراد کارآفرین جامعه، آشنایی دانش‌آموزان با مراکز پارکهای فناوری، آشنایی با شرکتهای دانش بنیان، آشنایی با مدل‌های کسب و کار، آشنایی با بیزنس پلن
توانمندی در کارآفرینی	آشنایی دانش‌آموزان بامراحل ثبت شرکتهای، آشنایی دانش‌آموزان با مراحل ثبت و اجرای ایده، چالش کشیدن ذهن دانش‌آموزان، برگزاری جشنواره‌ها، برگزاری رویدادهای استارت آپی، دانش‌آموزان با مراحل راه اندازی کسب و کارها، آشنایی با محیط کسب و کار جامعه، برگزاری رویداد ایده بازار
چشم انداز کارآفرینی	برنامه ریزی هدفمند، برنامه کارآفرینی مدرسه محوردر مقطع ابتدایی با همکاری مدیران به صورت فوق برنامه، سنجش خلاقانه محور، یادگیری کارآفرینی هنرآموزان هنرستانی از طریق فضای مجازی، درگیر کردن دانش‌آموزان در بحث علمی کسب و کار، پرورش نیرو بر اساس نیاز سنجی، بحث تولید محور بودن مدارس، برنامه ریزی در به کارگیری افراد با تجربه در تدریس، سوق دادن دانش‌آموزان به سمت علم کسب و کار توسط مدارس
تهدیدها	ضعف در ثبت ایده‌ها، ضعف مربیان در علم کسب و کارو کارآفرینی، ضعف مهارتی مربیان در ارائه خدمات به بازار، عدم اجرای کامل کتابهای درسی، عدم اشتیاق دانش‌آموزان به درس کارآفرینی، عدم آشنایی دستاوردکاران با استراتژیهای کارآفرینی، عدم بستر سازی سخت افزاری و نرم افزاری موثر، عدم دسترسی دانش‌آموزان به اینترنت در مدارس، عدم تخصیص اعتبار در بحث کارآفرینی، عدم حمایت دستاوردکاران صف و ستاد، عدم رشد خلاقیت در موضوعات کتابها، عدم نظم پذیری دانش‌آموزان خلاق، عدم همکاری اولیا، عدم همکاری دانشگاهها
فرصتها	اتکا به مهارت فردی، ارائه محصولات، اشتغال زایی، افزایش قدرت تصمیم گیری، بینش کارآفرینانه، پرورش نیروی ماهر، تغییر در دیدگاه، اختراع در سطح استان و کشور، تشویق دانش‌آموزان به خلق ایده، تفکر خلاقانه و نقادانه معلم، تفکر کلی و دید وسیع
فرهنگ سازی	آشنایی دانش‌آموزان با مدل‌های کسب و کار، آشنایی با شرکتهای داده بنیان، آشنایی دانش‌آموزان با ثبت شرکتهای، آشنایی دانش‌آموزان با افراد کارآفرین جامعه، پذیرش سود کمتر جهت حفظ مشتری، تاثیر زیر ساختهای فرهنگی، تغییر نگاه دانش‌آموزان درجهت کارآفرین شدن، تعهد نیروها، خارج شدن مدارس از شیوه سنتی
فعالیت‌های فوق برنامه	ایجاد شغل جدید، برگزاری کارگاههای استارت آپ و یکنند، آزادی عمل بیشتر دانش‌آموزان در مدرسه، آشنایی با بوم کسب و کار در کتاب کارآفرینی هنرستان، اهمیت به نگاه کسب و کار محور، ارائه محصولات، آموزش همراه با تولید، اختراع در استان و کشور، باز شدن پنجره جدید ذهنی دانش‌آموزان با شرکت در استارت آپها، همکاری ان لاین مدرسین کارآفرینی با دانش‌آموزان، هر هنرستان یک کارخانه

همکاری با سایر نهادها	همکاری با دانشگاهها، همکاری با پارک علم و فناوری، همکاری با منتورها، همکاری با خانوادهها، همکاری مدیران مدارس
یادگیری	آموزشها در قالب کارآفرینی، آموزش از طریق فایل‌های آموزشی، آموزش اجرای ایده، آموزش ایجاد شغل، آموزش بوم کسب و کار، آموزش حل مساله، آموزش خانوادهها، آموزش درون مدرسه‌ای به همراه کارآموزی خارج از مدرسه، مفهوم سازی از طریق ذهنیت افراد، آموزش کارگاهی به دبیران، یادگیری تغییر روش در صورت نرسیدن به اهداف

یافته‌ها

هدف اصلی این پژوهش، ارائه الگوی کیفیت بخشی جهت تبدیل هنرستانهای فنی حرفه‌ای به مراکز کارآفرینی بود که بر اساس مطالعات صورت گرفته و مصاحبه‌های عمیق همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی، چارچوب نظری تبیین گردید.

مرحله اول: کدگذاری باز

در کدگذاری باز ابتدا داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به دقت مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

جدول ۲- نمونه‌ای از کدگذاری باز

جمله	عبارت معنایی	کد استخراجی
اولین راهکار که خیلی سریع تر جواب می‌دهد خود آموزش‌هایی هست که برای معلم‌ها می‌گذارند.	آموزش معلمان اولین راهکار	آموزش معلمان اولین راهکار موفقیت
کتاب درسی کارآفرینی، اصول اولیه رو به دانش آموز یاد می‌دهد یعنی بیشتر شیوه‌های خلاقیت رو یاد می‌دهد بنابراین خود معلم باید در همین پودمانی که به دانش‌آموزان درس می‌دهد باید او را به چالش بکشد.	یاددهی اصول اولیه کتاب درسی کارآفرینی یاددهی شیوه‌های خلاقیت در کتاب درسی به چالش کشیدن دانش آموز در پودمان‌های درسی	لزوم به چالش کشیدن دانش‌آموزان در پودمانهای درسی علاوه بر یاددهی اصول اولیه کتاب و شیوه‌های خلاقیت
شما برای اینکه مدرسه ای داشته باشید که دانش آموز کارآفرین تربیت کند اول باید یک فروشگاه دائمی داشته باشید.	تربیت دانش‌آموزان کارآفرین فروشگاه دائمی	ضرورت ایجاد فروشگاههای دائمی در مدارس جهت توفیق در کسب و کار و بازاریابی
دوم تجهیزات است	تجهیزات	لزوم در نظر گرفتن تجهیزات لازم

سوال اصلی پژوهش عبارت بود از <<الگوی کیفیت بخشی هنرستانهای فنی حرفه‌ای جهت تبدیل به مراکز کارآفرینی چگونه است >>. برای پاسخ به این سوال، ابتدا لازم بود که به سوال فرعی با عنوان <<مولفه‌های اصلی در کیفیت بخشی هنرستانها کدامند >> پاسخ داده شود. برای پاسخ به سوالات فوق، داده‌هایی که در بخش کیفی با مصاحبه عمیق و ژرف نگر گردآوری شد، بر اساس روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در راستای اهداف پژوهش چندین

سوال از مشارکت کنندگان پیرامون راهکارهای لازم برای تبدیل هنرستانها به مراکز کارآفرینی پرسیده شد؛ برای مثال >>به نظر شما چه عواملی برای کارآفرین شدن هنرستانها موثرند؟ با توجه به رسالت هنرستانها در تولید نیروی کار ماهر بعد از فارغ التحصیلی، چه پیشنهادی برای ارتقای آنها جهت تبدیل به مراکز کارآفرینی دارید؟ چه عوامل و شرایطی می‌تواند موجب کیفیت بخشی هنرستانهای فنی و حرفه‌ای در راستای کارآفرین شدن هنرجویان گردد؟ چگونه و با چه روش‌هایی می‌توان هنرستانها را جهت تبدیل شدن به مراکز کارآفرینی، سوق داد؟ پیامدهای ایجاد هنرستانها با رویکرد تبدیل به مراکز کارآفرینی چیست؟

حاصل تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده ۵۹۸ کد اولیه یا باز بود. بعد از ادغام این کدها براساس همپوشانی، ۳۱۳ کد باقی ماند. با مقایسه مداوم کدها و داده‌های خام براساس تشابه و تفاوت، کدهای مشابه در یک طبقه، کنار هم قرار گرفتند و دسته بندی اولیه‌ای از کدها بدست آمد. مصادیق و مفاهیم بدست آمده در ۷۳ طبقه اولیه، که پس از ادغام ۱۰۱ زیرطبقه و ۱۰ طبقه اصلی دسته بندی شدند. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج طبقات نشان دهنده‌ی مولفه‌های کیفیت بخشی جهت تبدیل هنرستانهای فنی حرفه‌ای به مراکز کارآفرینی می‌باشد. این طبقات در ۱۰ طبقه اصلی از داده‌ها استخراج گردید.

مرحله دوم: کدگذاری محوری

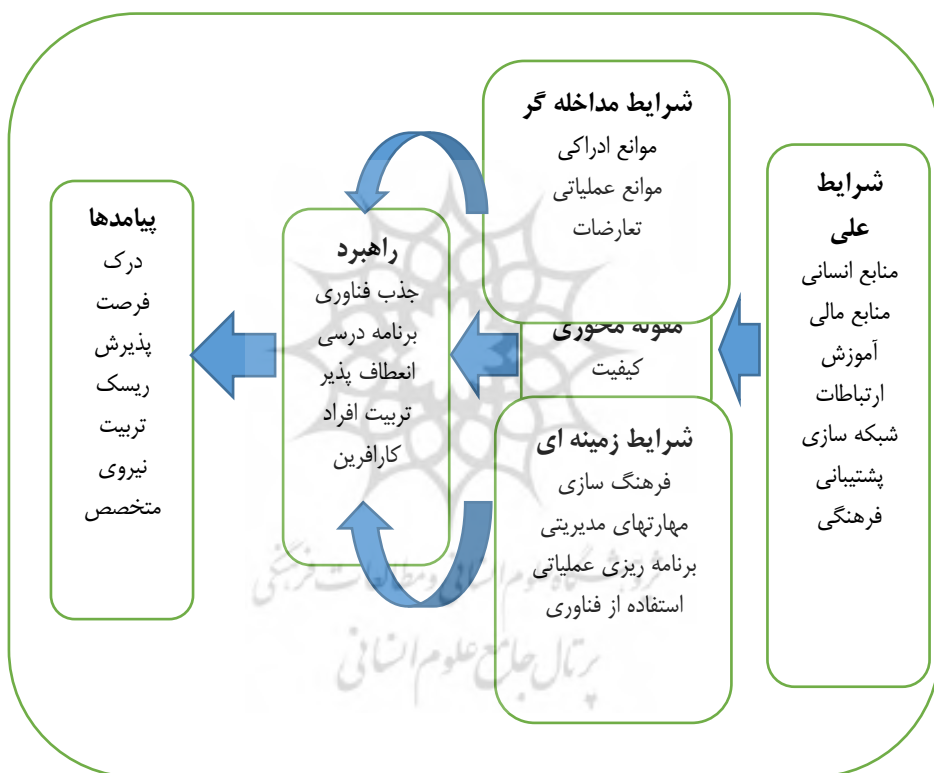
- ۱- شرایط علی: به شرایطی گفته می‌شود که در آن به بررسی مقوله‌هایی که بر مقوله اصلی مورد پژوهش اثر گذارند پرداخته می‌شود. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده بر اساس نظر خبرگان مشارکت کننده ۶ مقوله علی که برای تبدیل هنرستانها به مراکز کارآفرینی اثر گذارند شناسایی گردید که شامل: منابع انسانی، منابع مالی، آموزش، ارتباطات، شبکه سازی، پشتیبانی فرهنگی می‌باشد.
- ۲- شرایط زمینه‌ای: مجموعه شرایطی هستند که زمینه پدیده مورد نظر را فراهم می‌سازند. در این پژوهش چهار مقوله فرهنگ سازی، مهارت‌های مدیریتی، برنامه ریزی عملیاتی، استفاده از فناوری، شناسایی شده اند.
- ۳- شرایط مداخله گر: در این پژوهش سه مقوله موانع ادراکی، موانع عملیاتی، تعارضات به عنوان عوامل مداخله گر برای تبدیل هنرستانها به مراکز کارآفرینی در نظر گرفته شد.
- ۴- راهبردها: در این پژوهش با توجه به یافته‌های بدست آمده سه مقوله راهبردی شناسایی شده است که شامل جذب فناوری، برنامه درسی انعطاف پذیر، تربیت افراد کارآفرین می‌باشد.

۵- پیا مدها: نتایجی هستند که از راهبردها و کنش‌های مربوط به مقوله محوری حاصل می‌شوند. درک فرصت، پذیرش ریسک، تربیت نیروی متخصص، در این پژوهش شناسایی شدند.

مرحله سوم: کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی فرایند یکپارچه سازی و بهبود و پالایش مقوله‌ها است به این ترتیب که محقق با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص بین مقوله‌ها آنها را برای ارائه و شکل دهی یک نظریه تنظیم می‌کند که الگو به صورت شکل (۱) می‌باشد.

آزمون الگوی مفهومی و یافته‌های پژوهش



شکل (۱): الگوی محوری براساس پارادایم اشتراوس و کوربین

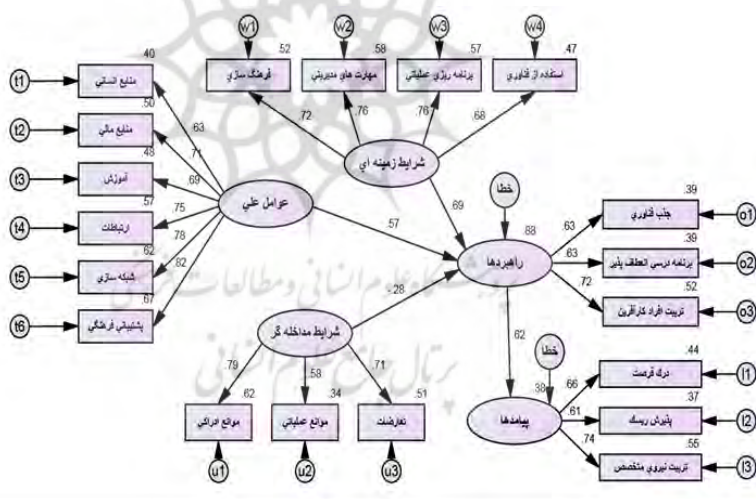
در بخش کمی که اعتبار سنجی الگوی ارائه شده می‌باشد از پرسشنامه الکترونیکی محقق ساخته استفاده شد. ابزار گردآوری این بخش پرسشنامه محقق ساخته ۸۷ گویه‌ای در طیف پنج درجه‌ای لیکرت بود. روایی محتوایی پرسشنامه بر اساس نظرات استاد راهنما و مشاور و نیز دونفر از متخصصان کارآفرینی مورد تایید قرار گرفت و پایایی آن پس از اجرای مقدماتی از طریق ضریب آلفای کرونباخ

برای تک تک متغیرها بالاتر از ۷۰ درصد بود. قبل از بررسی فرضیات به بررسی نرمال بودن متغیرها پرداختیم. برای این منظور از آزمون ناپارامتری کلمگروف اسمیروف استفاده شد. از افراد نمونه پرسیده شده که برای شناسایی مولفه‌های موثر جهت کیفیت بخشی تبدیل هنرستان‌ها به مراکز کارافرینی، به هر کدام از مولفه‌های زیر تا چه حد در مدارس توجه می‌شود؟ پاسخ افراد به این سوال برای تک تک متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون t-student مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه در پرسشنامه‌ها از طیف ۱ تا ۵ برای ارزش یابی استفاده شده است، برای بررسی درستی فرضیه میانگین متغیر را با مقدار ۳ مقایسه می‌کنیم. در صورت درستی فرضیه، باید مقدار میانگین متغیر مورد نظر مساوی یا بیشتر از ۳ باشد. نتایج در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۳- نتایج آزمون t-student

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	p-value	فاصله اطمینان
منابع انسانی	۹۳.۲	۹۷.۰	-۳۱۶.۱	۱۸۹.۰	(-۱۸.۰ و ۰۴.۰)
منابع مالی	۴۵.۲	۱.۱	-۶۶.۸	۰	(-۶۸.۰ و -۴۳.۰)
ارتباطات فراسازمانی	۶۸.۲	۹۴.۰	-۳۳.۵	۰	(-۴۴.۰ و -۲۰.۰)
آموزش	۰۲.۳	۹۳.۰	۴۳.۰	۶۶.۰	(-۰۸.۰ و ۱۳.۰)
شبکه سازی درون و برون سازمانی	۷۳.۲	۰۳.۱	-۷۱.۴	۰	(-۳۹.۰ و -۱۶.۰)
پشتیبانی فرهنگی	۸۵.۲	۹۹.۰	-۶۱.۲	۰۱.۰	(-۲۷.۰ و -۰۴.۰)
فرهنگ سازی	۹۳.۲	۹۸.۰	-۲۵.۱	۲۱۴.۰	(-۱۸.۰ و ۰۴.۰)
مهارت‌های مدیریتی	۹۵.۲	۰۳.۱	-۷۹.۰	۴۳.۰	(-۱۶.۰ و ۰۷.۰)
برنامه ریزی عملیاتی	۸۵.۲	۹۹.۰	-۵۲.۲	۰۱.۰	(-۲۶.۰ و ۰۳.۰)
استفاده از فناوری	۹۵.۲	۰۵.۱	-۸۸.۰	۳۸.۰	(-۱۷.۰ و ۰۷.۰)
جذب فناوریهای نوین	۸۵.۲	۰۹.۱	-۳۸.۲	۰۲.۰	(-۲۸.۰ و -۰۳.۰)
برنامه درسی انعطاف پذیر	۹۴.۲	۰۹.۱	-۰۸.۱	۲۸.۰	(-۱۸.۰ و ۰۵.۰)
تربیت افراد کارآفرین	۹۲.۲	۰۲.۱	-۳۰.۱	۱۹.۰	(-۱۹.۰ و ۰۴.۰)
شناسایی و درک فرصت کسب و کار	۸۸.۲	۰۱.۱	-۰۰.۲	۰۴.۰	(-۲۳.۰ و -۰۱.۰)
آموزش مهارت ریسک پذیری	۷۴.۲	۰۵.۱	-۱۵.۴	۰	(-۲۷.۰ و -۱۳.۰)
تربیت نیروی متخصص	۹۵.۲	۰۱.۱	-۹۱.۰	۳۶.۰	(-۱۷.۰ و ۰۶.۰)

بر اساس اطلاعات موجود در جدول فوق، فرضیه مورد توجه قرار گرفتن متغیرهای منابع انسانی، آموزش، فرهنگ سازی، مهارت‌های مدیریتی، استفاده از فناوری، برنامه درسی انعطاف پذیر، تربیت افراد کارآفرین و تربیت نیروی متخصص در سطح معنی داری $\alpha = 0.05$ مورد پذیرش قرار می‌گیرد زیرا مقدار p-value محاسبه شده برای این متغیرها بیشتر از ۰.۰۵ است و فاصله اطمینان مقادیر بزرگتر و مساوی صفر را نیز شامل می‌شود. در مورد مابقی متغیرها فرضیه در سطح $\alpha = 0.05$ رد می‌شود زیرا برای آنها p-value کمتر از ۰.۰۵ است و فاصله اطمینان آنها تنها شامل مقادیر منفی است. سپس همبستگی مقوله‌های تحقیق بررسی گردید. در این تحقیق از ضریب همبستگی اسپیر من استفاده شده است. در ادامه به بررسی وجود همبستگی خطی بین دو به دو عوامل موجود در این تحقیق پرداخته شد و درسنجش الگوی پژوهش از تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم استفاده گردید. در نهایت تحلیل مسیر نهایی با استفاده از نرم افزار Amos صورت گرفته و همانطور که در ادامه شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهند این الگو نیز از اعتبار مناسبی برخوردار است.



شکل (۲) - تحلیل عاملی تاییدی نهایی

بحث و نتیجه گیری

آموزش کارآفرینی یک سرمایه گذاری بلند مدت است که آموزش و پرورش برای بسترسازی آن نقش اساسی دارد، چون زیرساخت‌ها باید آماده شوند؛ روند برنامه‌ها و محتوای درسی بازنگری شود و فضایی برای تجربه عملی مشاغل برای دانش‌آموزان فراهم آید. در این راستا پژوهش حاضر، با هدف ارائه الگوی کیفیت بخشی جهت تبدیل هنرستانهای فنی حرفه‌ای به مراکز کارآفرینی پرداخته است. نتایج مطالعه حاضر بیانگر این است که در راستای کیفیت بخشی هنرستانها شاخص‌های شناسایی شده در پنج دسته کلی (عوامل علی، شرایط مداخله گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها) دسته بندی می‌شوند.

عوامل علی: این عوامل که در تبدیل شدن هنرستانها به مراکز کارآفرینی موثرند بانظرات متخصصان و خبرگان کارآفرینی مشارکت کننده، در ۶ مقوله به عنوان عوامل اثر گذار در بروز پدیده محوری، شناسایی شد: ۱- منابع انسانی (تربیت مربیان ماهر و منتورها، تربیت دانش‌آموزان کارآفرین، تربیت کارکنان توانمند در کارآفرینی)، ۲- منابع مالی (برنامه ریزی مالی در زمینه کارآفرینی هنرستانها، بالا بردن امنیت برای سرمایه گذاری و ریسک توسط مسئولین، استفاده از منابع مالی با کمک گرفتن از سایر سازمانها و خیرین)، ۳- آموزش (آموزش توسط افراد ماهر در زمینه ایده پردازی، آموزش به همراه کارآموزی، آموزش در جهت آشنایی با مدل‌های کسب و کار و تبلیغات برای فروش محصول)، ۴- ارتباطات (ارتباط با مراکز رشد و شتاب دهنده‌ها، ارتباط با متخصصین و استادان، ارتباط با صنعت، ارتباط با کارآفرینان در جامعه)، ۵- شبکه سازی (ایجاد شبکه اینترنتی برای تبادل نظر کارآفرینان، همکاری و تبادل نظر هنرستانهای فنی حرفه‌ای با دانشگاه‌ها) و ۶- پشتیبانی فرهنگی (فراهم کردن زمینه تغییرات فرهنگی و همسو با کارآفرینی در تفکر افراد از طریق رسانه‌ها، همکاری سایر نهادها با آموزش و پرورش در کارآفرینی، بسترسازی فروش محصولات از طریق فضای مجازی و بازار) معرفی شده است. در مقایسه این مفاهیم با نتایج مطالعه چاوشی و داودی، ۱۳۹۸؛ زیوری و همکاران ۱۳۹۹؛ پورآتشی، ۱۳۹۹ در منابع مالی، والیداینی و وینارو، ۲۰۱۷؛ لی و همکار ۲۰۱۹؛ صائمی و فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۷ در آموزش، نصیری و سرچهانی، ۱۳۹۷؛ فهام و پرهیزکار، ۱۳۹۷ در زمینه پشتیبانی فرهنگی هم سو می‌باشد. در مورد دو مقوله ارتباطات و شبکه سازی پیشینه‌ای مشاهده نشد.

شرایط زمینه‌ای: به شرایط خاصی که بر کنشها و تعاملات تاثیر می‌گذارد بسترگفته می‌شود. بر اساس نتایج این پژوهش، ۴ مقوله شناسایی گردید. ۱- فرهنگ سازی (آشنایی با شرکت‌های داده بنیاد، آشنایی دانش‌آموزان با ثبت شرکت‌ها، آشنایی با مدل‌های کسب و کار، آشنایی با افراد کارآفرین جامعه، تاثیر زیرساخت‌های فرهنگی)، ۲- مهارت‌های مدیریتی (خدمات نوآورانه، همکاری با دانشگاه‌ها، همکاری با پارک علم و فن آوری)، ۳- برنامه ریزی عملیاتی (آموزش اجرایی ایده، آموزش از طریق فایل‌های آموزشی، آموزش ایجاد شغل، آموزش بوم کسب و کار، آموزش حل مساله، آموزش خانواده‌ها، آموزش درون مدرسه‌ای به همراه کارآموزی خارج از مدرسه، آموزش کارگاهی به دبیران)، ۴- استفاده از فناوری (مهارت فناوری و علم رایانه و برنامه نویسی، آشنایی دانش‌آموزان با ثبت شرکتها، آشنایی با مراحل ثبت و اجرای ایده، استفاده از اینترنت و فضای محازی) شناسایی شدند. مولفه‌های تشکیل دهنده الگوی پارادایمی با تحقیقات پیشین مقایسه گردید که در ادامه به اختصار آمده است. ۱- فرهنگ سازی (با یافته‌های چاوشی نجف آبادی و همکار، ۱۳۹۸؛ فهم و همکار، ۱۳۹۷)، ۲- مهارت‌های مدیریتی (با یافته‌های چاوشی نجف آبادی و همکار، ۱۳۹۸؛ عزیزپوریان و همکاران، ۱۳۹۸)، ۳- برنامه ریزی عملیاتی (با یافته‌های مارلیه و همکاران، ۲۰۱۸)، ۴- استفاده از فناوری (با یافته‌های زیوری و همکاران، ۱۳۹۹؛ نصیری و همکار، ۱۳۹۷) مطابقت دارد.

شرایط مداخله‌گر: در این مطالعه، آن دسته از عواملی که بطور غیرمستقیم بر تبدیل شدن هنرستانها به مراکز کارآفرینی تاثیر می‌گذارند، شناسایی و طبقه بندی شده است. بر این اساس، سه مقوله موانع ادراکی (ضعف مربیان در علم کسب و کار و کارآفرینی، ضعف مهارتی مربیان در ارائه خدمات به بازار، عدم اشتیاق دانش‌آموزان به درس کارآفرینی، عدم آشنایی دست اندرکاران با استراتژی‌های کارآفرینی)، موانع عملیاتی (ضعف در ثبت ایده‌ها، عدم بستر سازی سخت افزاری و نرم افزاری موثر، عدم تخصیص اعتبار در بحث کارآفرینی، عدم دسترسی دانش‌آموزان به اینترنت در مدارس) و تعارضات (عدم حمایت دست اندرکاران صف و ستاد، عدم نظم پذیری دانش‌آموزان خلاق، عدم رشد خلاقیت در موضوعات کتابهای درسی، عدم همکاری اولیا، عدم همکاری دانشگاه‌ها) شناسایی گردید.

راهبردها: از مهم ترین رهیافت‌های کیفیت بخشی هنرستانها جهت تبدیل به مراکز کارآفرینی می‌باشد که شامل جذب فناوری (آماده سازی بستر سخت افزاری و نرم افزاری، شبیه سازی شرکت‌ها در داخل مدرسه، ایجاد سامانه ثبت ایده برای حفظ ایده)، برنامه درسی انعطاف پذیر)

بازبینی کتابهای درسی، استفاده از روش‌های فعالیت محور واردویی، اصلاح روش‌های تدریس بر پایه خلاقیت) و تربیت افراد کارآفرین (آموزش توسط منتورها و مربیان تعلیم دیده، استفاده از کلاسهای کارگاهی و استارت آپ) است. با این حال چگونگی تحقق الگوی کیفیت بخشی هنرستانهای فنی حرفه‌ای کارآفرین تحت تاثیر مجموعه عوامل مداخله گر وبسترهای حاکم (زمینه‌ای) قرار دارد.

پیامدها: اجرایی شدن الگوی کیفیت بخشی هنرستانها منجر به بروز سه پیامد اصلی ۱- درک فرصت) آموزش دانش‌آموزان با روش‌های ایده پردازی، برگزاری جشنواره‌ها جهت کشف ایده، آماده سازی دانش‌آموزان با یادگیری شایستگی‌های لازم برای ورود به بازار کار (۲- ریسک پذیری (آموزش مهارت‌های ریسک پذیری و تغییر وضعیت در مواقع لزوم، درگیر کردن دانش‌آموزان در کارهای عملی و فروش محصول (۳- تربیت نیروی متخصص (تربیت منتورها توسط دانشگاه‌ها و مراکز رشد، توجه به آموزش مداوم کارکنان، آموزش‌های تخصصی به هنرآموزان) در هنرستانها می‌گردد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، قابلیت درک فرصت توسط افراد یک جامعه، عامل سازنده برای کسب و کارهای نوپا و بروز رفتارهای کارآفرینانه است. بنابراین در راستای تعالی بخشیدن به کیفیت آموزش‌های کارآفرینی جهت تبدیل هنرستانها به مراکز کارآفرینی لزوم توجه به آموزش‌های لازم در زمینه ریسک پذیری و درک فرصت محسوس می‌باشد. از آنجا که بازار داخلی کشور بازار بزرگ محسوب شده و تنوع تقاضا بالاست، فرصت زیادی برای کارآفرینی وجود دارد، اما افراد جامعه در درک فرصت‌ها ضعیف بوده و به اندازه کافی قادر به تشخیص و استفاده از آنها نیستند. جمع‌کنیری از جوانان دارای ایده و علاقمند به ایجاد کسب و کار، با قوانین بازی و تهدیدات بالقوه و بالفعل فضای کسب و کارآشنایی ندارند و بعد از سعی و خطا و شکست، از فعالیتهای پرریسک دوری کرده و در پی مشاغل امن و استخدام می‌روند. در صورتی که آموزش می‌تواند ریسک محیط کسب و کار را کاهش و احتمال موفقیت کارآفرینان را افزایش دهد. برای بهبود این ضعف، لازم است از اصلاح و توسعه سیاستهای آموزش به خصوص در هنرستانها بهره گرفت.

کتابنامه

- ابراهیمی، پریسا، (۱۳۹۵)، تحلیل برنامه درسی کار و فناوری دوره اول متوسطه بر اساس مهارتهای کسب و کار سازمان جهانی کار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، تهران.
- پسندیده فرد، کبری و کیانی ماوی، رضا، (۱۳۹۷)، شناسایی و اولویت بندی معیارهای موفقیت آموزش کارآفرینی و توسعه اقتصادی بر اساس مدل تصمیم گیری چندمعیاره، **مطالعات نوین کاربردی در مدیریت و اقتصاد**، (۱)، ۱۰۱-۱۱۸.
- پورآنتشی، مهتاب، (۱۳۹۹)، بررسی اقدامات حمایتی از کارآفرینی در دانشگاه‌های منتخب جهان و تحلیل گزینه‌های حمایتی در دانشگاه‌های ایران، **فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی**، ۱۰ (۳۴)، ۸۲-۱۰۱.
- جلالی، خسرو و امینی، سامان، (۱۳۹۶)، نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی، **دومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پرورش مازندران**، محمود آباد.
- چاوشی نجف آبادی، زهره و داودی، سید محمدرضا، (۱۳۹۸)، شناسایی عوامل موثر بر کارآفرینی آموزشی؛ مطالعه موردی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش شهرستان نجف آباد، **فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران**، ۴ (۵۲)، ۹۱-۱۳۰.
- خورشیدی، عباس و فرخی، داود، (۱۳۹۱)، مؤلفه‌های سازنده شایستگی مهارت آموختگان، **دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی**، ۲ (۱)، ۷۵-۹۸.
- زیوری، امینه، محمدی خیاره، محسن، مظهری، رضا، (۱۳۹۹)، مروری سیستماتیک بر عوامل اقتصادی موثر بر کارآفرینی، **فصلنامه رشد فناوری**، ۱۶ (۶۲)، ۳۲-۴۳.
- شاه حسینی، علی، (۱۳۹۰)، "کارآفرینی"، تهران: ویرایش دوم، چاپ سوم، انتشارات آبیژ.
- صائمی، حسن و فتحی واجارگاه، کورش، (۱۳۹۷)، طراحی الگوی نظری ساختارهای جدید دانش در شبکه اجتماعی و بهبود کیفیت آموزش، **فصلنامه پژوهشنامه تربیتی**، ۱۳ (۵۴)، ۷۹-۱۰۰.
- طغرایبی، محمدتقی، میرواحدی، سیدسعید، هاشمی، سمیه و محمدی، رحیم، (۱۳۹۷)، به سوی الگوی عملیاتی مدرسه کارآفرین. **نخستین کنفرانس ملی مدرسه کارآفرین (رویکردها، نظریه‌ها، ابعاد و تجارت کاربردی از کشورهای موفق)**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، انجمن مدیریت آموزشی ایران شعبه استان اصفهان.

عباس زاده، سعید، شاهی، سکینه و مهرعلیزاده، یداله، (۱۳۹۷)، تناسب آموزشهای هنرستانهای فنی و حرفهای با نیازهای آموزشی صنایع کوچک شهر اهواز. **دوفصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی**، ۷ (۱۴)، ۷۰-۴۶.

عزیزپوریان، علی حسن، اسلام پناه، مریم، کرم افروز، محمدجواد، ملکیان، فرامرز و کاویانی، الهام، (۱۳۹۸)، ساخت و اعتباریابی پرسشنامه نظام کارآفرین در هنرستانهای فنی و حرفه ای، **فصلنامه اندازه گیری تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی**، ۹ (۳۶)، ۴۸-۱۹.

فهام، الهام و پرهیزکار، مرتضی، (۱۳۹۷)، جایگاه توسعه کارآفرینی در سیاستها و برنامههای ملی کشور، **فصلنامه سیاستهای راهبردی وکلان**، ۶ (۲۲)، ۴۱-۶۰.

نصیری ولیک بنی، فخرالسادات و سرچهبانی، زهرا، (۱۳۹۷)، **طراحی مدل مناسب ایجاد مدرسه کارآفرین در مدارس دوره دوم متوسطه**، طرح پژوهشی، آموزش و پرورش مازندران.

Ahuja, V. Akhtar, A & Wali, O. P. (2019). "Development of a comprehensive model of social entrepreneurship model of social entrepreneurial intention formation using a quality tool". *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 9:41 .

Caska, N. & Indrawati, H. (2018). Analysis of Factors Affecting Entrepreneurial Interest of Vocational High School in Pekanbaru. *Journal of Educational Sciences*, 2(2), 42-51 .

Edomgenet, H. I. & Zerebruk, Z. T. (2020). Entrepreneurial intent among prospective graduates of higher education institutes of higher education institution: an exploratory investigation in Kafa, Sheka, and Bench-Maji Zones, SNNPR, Ethiopia. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 1-19 .

Li, L & Wu. D. (2019). "Entrepreneurial education and students' entrepreneurial intention: does team cooperation matter?" *Journal of Global Entrepreneurship Research*. 9:33

Marliyah, L. Sugiyono, Masrukhi, & Rusdarti. (2018). Model of Entrepreneurship Education in Vocational School on Agribusiness Study Programme. *Journal of Entrepreneurship Education*, 21(4).

Walidaini,B. ,Winarno,A. (2017). Vocational High school Students Entrepreneurship:The Success of family or School Education.. ?Jurnal Pendidikan Bisnis dan Manajemen,3(1(,1-11.

Providing a quality Pattern to transform professional technical vocational schools into entrepreneurship centers

The purpose of this study was to provide a quality model for transforming professional technical vocational schools into entrepreneurship centers. In terms of purpose, the research is a developmental application that was conducted with a mixed approach (qualitative and quantitative) with an exploratory design. In the qualitative part of the research, the method of data theory analysis of the foundation was used. Participants included university professors, teachers and students, school principals, staff of the General Department of Education of Mazandaran Province was used. The statistical population of the study included principals, students and teachers of vocational schools in Sari in the academic year 1399-1400. The sample size was 296 based on Morgan table and data were collected by stratified random sampling method. After determining the face validity, content validity was approved by experts. Reliability was confirmed by Cronbach's alpha above 0.7. Statistical analysis and fitting of the conceptual model of the data was performed using SPSS and AMOS software. The result of this process was the identification of 10 main categories with 101 codes that formed the conceptual model of the research based on Strauss and Corbin's paradigm. Based on the results, the proposed model has a good fit. Therefore, the quality of professional technical vocational schools will be possible with coordination and comprehensive attention of various dimensions, including causal, contextual, intervening conditions .

Keywords: Entrepreneurship, Quality Pattern , Vocational school



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی